

## نقش کتابخانه در سیر فرهنگ

سیروس علانی

کتاب و کتابخانه از ارکان مهمّ مدنیّت مذهبی است. کتاب اعظم حجّت مظهر امر الهی است. اصول و تعالیم و احکام هر دینی در کتابی یا کتاب‌هایی تدوین شده که برای پیروان آن دین مقدّس است. در توضیح و تبیین و تفسیر آن کتاب مقدّس نوشتارهای بسیار دیگری در طول زمان به وجود آمده است که وقتی یک جا جمع کنیم کتابخانه‌ای کوچک یا بزرگ برای آن کیش خواهیم داشت. تصوّر یک دین یا مذهب بدون کتاب مشکل است تا چه رسد به تحقّق و توسعه و توفیق آن آئین. اصطلاح "اهل کتاب" خود معرفّ اهمیّت کتاب در فرهنگ دینی است.

بحث ما در این مقاله برشماری کتب مقدّس و نوشته‌های مربوط به آن کتاب‌ها نیست. منظور تنها بیان این مطلب است که مثلاً وقتی از دیانت زرتشتی نام می‌بریم بی‌اختیار به کتاب اوستا می‌اندیشیم و دیانت حضرت کلیم را با تورات و امر حضرت مسیح را با انجیل توأم می‌دانیم. قرآن که معجزه پیامبر خوانده شده کتاب اصلی دین اسلام است. حضرت رسول هرچند خود امّی بوده ولی در قرآن به "مرکّب و قلم و نوشته" سوگند خورده و سوره‌ای از قرآن "قلم" نامیده شده است. در روایات نیز به علم و کتاب اشاره بسیار است تا آن جا که پیامبر هنگامی که به مجاهدان شهادت طلب نیاز داشت مرکّب عالمان را از خون شهیدان برتر می‌دانست: «مداد العلماء افضل من دماء الشهداء».

حال اگر نظر را متوجه علم کنیم باید بگوئیم که یکی از شرائط لازم برای هر گونه تحقیق علمی اطلاع از پژوهش‌هایی است که قبلاً در آن زمینه انجام شده است. علوم گسترده بشری از آن جا پدید آمده که هر پژوهنده‌ای دنباله دانسته‌های پیشین را گرفته، خود تحقیقی جدید کرده و جزئی بر معلومات سابق افزوده است. اگر هر معلوم تازه‌ای را به سنگی تراش خورده تشبیه کنیم می‌توان گفت که کاخ عظیم سر به فلک کشیده دانش امروزی از قرار گرفتن هر سنگ بر روی سنگ قبلی در طول زمان به وجود آمده است. اگر انسان به مانند حیوان از انتقال معلومات خود به دوران‌های بعدی عاجز بود پیشرفتی در سطح زندگی حاصل نمی‌کرد و عصر حجر تا به امروز امتداد می‌یافت. ولی بشر استعداد ثبت و ضبط معلومات خود را دارد و به این منظور وسائل متعددی از قدیم به وجود آورده و به کار گرفته است.

مؤثرترین این وسائل شاید کتاب و کتابخانه باشد. کتاب در این بحث معنایی وسیع دارد و شامل هر گونه نوشتار از نامه و گزارش و سند و خاطره و سفرنامه و نشریات ادواری (روزنامه و مجله) و کتاب معمولی است. در عصر ما عکس و تصویر و نقشه و نوار و صفحه سمعی و بصری و کامپیوتری را نیز باید بر آنچه بر شمردیم اضافه کرد.

نظر این مقاله به کتابخانه‌های پژوهشی (یا کتابخانه‌های منابع) است که به طور خلاصه مؤسسه‌ای است که نه تنها کتاب را به معنای عام بالا به دست آورده و در خود جای می‌دهد و قرن‌ها محفوظ می‌دارد، بلکه گنجینه‌های خود را به علاقه‌مندان و پژوهندگان به وجهی آسان و شوق‌آفرین عرضه می‌نماید و در دسترسشان می‌گذارد تا در مطالعات و تحقیقات خویش از آنچه از پیش معلوم شده بی‌خبر نمانند و از دوباره کاری و اتلاف وقت گران‌بها در امان باشند؛ همواره در مرزهای دانش قدم زنند؛ دنباله کار مفید پیشینیان را بگیرند و خود گامی به پیش بردارند تا بدین ترتیب جامعه در مسیری مترقی حرکت کند و نیازهای جسمانی و روحانی خود را هر روز بهتر و بیشتر برآورده سازد. از تعریف تفصیلی کتابخانه پژوهشی می‌گذریم. کافی است بگوئیم که کتابخانه پژوهشی فراگیرنده فرهنگ و دانش و اندیشه‌های انسانی و دستاوردهای تلاش دانشمندان در جامعه‌های بشری است که برای مدرسانی به انسان‌ها تأسیس می‌شود تا سطح فرهنگ آنان را بالا برد و ایشان را از نظر مدنیت مادی و روحانی به کمال مطلوب نزدیک‌تر سازد و حاصل سال‌ها کوشش دانش‌پژوهان را به نسل‌های آینده تحویل دهد.

کتابخانه مخزن مرده‌ای از کتاب‌های فرسوده و بی‌استفاده نیست، بلکه از آن به عنوان دانشگاهی عمومی و آزاد نام برده می‌شود.

به اعتقاد سازمان یونسکو کتابخانه مهم‌ترین نهاد آموزشی همگانی و دائمی و مهم‌ترین وسیله‌ای است که به یاری آن سابقه افکار و عقائد و حاصل اندیشه‌های خلاق بشری آزادانه و رایگان در اختیار همگان قرار می‌گیرد.

کتابخانه در هر جامعه نشانگر روح آن جامعه است. جامعه‌ای که در آن روح فعالیت و سازندگی و پژوهش وجود دارد دارای کتابخانه زنده و فعال است.

وقتی حوادث اخیر ایران فانی را خواسته یا ناخواسته راهی انگلستان کرد و در اثر بی‌کاری و یا کم‌کاری فرصتی اجباری برای مطالعه فراهم آمد با چند کتابخانه بزرگ این مرز و بوم کتاب‌پرور، به ویژه کتابخانه بریتانیا، از نزدیک آشنا شدم و با مقایسه ساده‌ای دریافتم که آنچه ما در ایران به نام کتابخانه داشتیم بیشتر مجموعه‌هایی بود ناقص از کتاب‌هایی نامتجانس که گاه در بنائی مجلل و گاه در زیرزمینی محقر انبار شده بود. اگر چند کتابخانه را استثنا کنیم در این مراکز که بهتر است آنها را "کتاب‌انبار" بنامیم نه عرضه قابل ذکری دیده می‌شد و نه تقاضای قابل توجهی. کتابخانه زنده و فعال با مجموعه‌هایی مربوط و پیوسته کجا و کتاب‌انباری بی‌حرکت و بی‌جان با مجلداتی نامربوط و گسسته کجا.

همیشه تعجب می‌کردم که چرا ما ایرانیان در موارد بسیاری که به فرهنگ و تمدن ایران زمین مربوط است کم‌تر تحقیقی از خود داریم و بیشتر باید به تفحصات و انتشارات غریبان تکیه کنیم. حتی اگر قرار است کلیات سعدی و یا شاهنامه فردوسی تجدید چاپ شود برای یافتن نسخه‌های معتبر قدیمی باید راهی کتابخانه‌های معتبر اروپا شویم. این حالت تعجب که ناشی از ندانستن علت بود به تدریج برطرف شد و معلوم گردید که یکی از علل اصلی، نداشتن کتابخانه‌های مجهز پژوهشی است. در ممالک در حال توسعه اگر هم شخصی یا سازمانی به فکر ایجاد کتابخانه بیفتد، قبل از همه چیز ساختمان چشمگیری در نظرش مجسم می‌شود. در جایی خواندم که در دوران رونق اقتصادی ایران در دهه هفتاد (۱۹۷۰-۱۹۷۹ م.) بازار کتاب از رونق دور و همچنان کساد بود. کتابفروشی در انتظار مشتری ساعت‌شماری می‌کرد و گه‌گاه با دستمالی چرکین گرد از کتاب‌های فروش نرفته‌اش می‌زدود. نوکیسه‌ای که با موج رونق اقتصادی بدون زحمت و تقلاتی به ساحل نعمت و ثروت پرتاب شده و خانه بزرگی در زعفرانیه ساخته بود - که در آن دوره اهمیت بعضی نفوس به ابعاد خانه بود - وارد دکان شد. کتابفروش خوشامدگویان جلو رفت که چه کتابی مورد نظرتان است؟ خریدار نگاهی سطحی به قفسه‌های پر از کتاب انداخت و پرسید که آیا از این کتاب‌ها نسخه‌های دیگری هم دارید؟ فروشنده با تعجب سر و وضع مرتب خریدار را برانداز کرد و گفت: معمول بر این است که از هر کتاب نسخه‌ای به عنوان نمونه در قفسه می‌گذاریم؛ نسخه‌های دیگر در انبار زیرزمین است. خریدار مشغول انتخاب شد و با دقت خاصی چند کتاب را کنار گذاشت. فروشنده از اینکه بعد از مدت‌ها با نفسی کتابخوان و کتابدوست رو به رو شده است مسرور بود تا آنکه خریدار اظهار داشت که در اروپا خانه‌هایی را دیده است با اطاقی به نام کتابخانه، آراسته به قفسه‌های زیبا و مملو از کتاب‌های هم‌شکل و هم‌قد. اینک در نظر دارد که از هر یک از کتاب‌هایی که جدا کرده است پنجاه عدد بخرد و در قفسه‌هایی که تهیه کرده پهلوی هم بچیند و چشم‌انداز زیبایی به کتابخانه اختصاصی خود بدهد و از این راه برای میهمانان - لابد همفکر خویش - حظ بصر و بهجت خاطر فراهم آورد.

این داستان اگر هم ساختگی باشد طنزی است نزدیک به حقیقت. آن جا که ارزش کتاب به اندازه جلد است و اهمیت کتابخانه به ابعاد ساختمان، دیگر جایی برای پژوهنده جدی باقی نیست. اگر هم تحقیقی در کار باشد سطحی و نمایشی است. شاهد این ادعا وضعی است که در بسیاری از کشورهای

در حال رشد وجود دارد که کتاب‌انبارهای متعددی با ساختمان‌های مجلل و مفصل ترتیب داده‌اند ولی از پژوهش و پژوهنده اثری و خبری نیست. متأسفانه در عصر ما در میان بسیاری از مردم دنیا و از جمله ایرانیان کتاب خواندن و به بیان جامع‌تر "سود بردن از کتاب" چندان معمول نیست. باید به همین حد قانع شد که بعضی کتاب را به عنوان جزئی از تزئینات منزل بخرند و احتمالاً آن را بگشایند و نظری به بعضی صفحه‌های عکس‌دار آن بیندازند.

کتابخانه چون باغی است مصفا و هر کتاب گلی است با رنگ و بوئی دیگر، با این تفاوت که: گل همین پنج روز و شش باشد وین گلستان همیشه خوش باشد  
ولی برای درک عطر و رنگ گل، شامه و بینائی لازم است و این حسّی است که از طفولیت باید در شخص پرورده شود.

ولی رابطه مردم ایران با کتاب و کتابخانه در دوران‌های شکوفائی ایران باستان و سده‌های اولیه اسلامی چنین نبوده است. تاریخ تمدن بشری شاهد آن است که دوران شکوفائی علمی و فرهنگی هر ملّتی از دیرباز با رونق کتاب و کتابخانه همراه و همگام بوده است. در این مقاله کوتاه ناچار به سیری سریع در این تاریخ تمدن‌ها می‌پردازیم:

مصر - مصری‌ها از زمان بسیار دور با نوشتن و ضبط آشنائی داشتند. در کتابخانه ملی فرانسه قطعه‌ای کاغذ پاپيروس مصری<sup>۱</sup> وجود دارد که حدود ۴۲۰۰ سال قبل روی آن مطالبی نوشته شده است. در کاوش‌های اخیر در خرابه‌های بعضی شهرهای قدیمی مصر به تصویرهای خطی در مقبره‌ها برخورد کرده‌اند که مربوط به ۵۰۰۰ سال قبل است. بر قبر صاحب‌منصبی در دوره سلسله چهارم پادشاهان مصر مطلبی از طرف منشی "کتابخانه" نقر شده که بیانگر وجود کتابخانه در ۵۰۰۰ سال قبل در مصر است. رامسس دوم، فرعون مصر، حدود ۳۲۰۰ سال قبل در کاخ خود کتابخانه‌ای داشت که ۲۰۰۰۰ ورق پاپيروس را در بر می‌گرفت و آن مکان را "خانه زندگی روح" می‌نامیدند.

بین النهرین - در بین النهرین ۴۷۰۰ سال قبل کتابخانه بزرگی تأسیس شده بود. آشور بانیال حدود ۲۶۵۰ سال قبل به منشیان خود فرمان داد که آنچه از ادبیات بابلی و سومری بر جای مانده گرد آورند و از آنها نسخه‌برداری کنند. سپس همه این نسخه‌ها را در کتابخانه بزرگ خود در نینوا جای داد. این کتابخانه پس از گذشت ۲۵ قرن تقریباً سالم و دست‌نخورده به جهان امروز رسیده است. حدود ۳۰۰۰۰ لوحه گلی این کتابخانه طبقه‌بندی شده و به هر لوحه برچسبی متصل است که آسان شناخته شود. اگر مصریان برای نوشتن از کاغذ پاپيروس استفاده می‌کردند در بین النهرین از لوحه گلی سود می‌بردند.

چین - در چین نیز سابقه کتابخانه به ۵۰۰۰ سال قبل می‌رسد. مورّخ چینی "زوماتشین آن لودره" از کتابخانه "چو" که پیش از کنفوسیوس می‌زیسته خبر داده است و این مربوط به ۳۰۰۰ سال قبل است.

یونان - در یونان باستان کتاب‌ها را بر پاپيروس مصری می‌نوشتند تا آنکه بطلمیوس ششم، از شاهان بطالمه مصری، به امید اینکه از توسعه کتابخانه معتبر برگامون جلوگیری کند صدور پاپيروس را

به خارج ممنوع کرد. یونانی‌ها پس از آن از چرم گوسفند و گوساله برای نوشتن استفاده کردند و تعداد کتاب‌ها به اندازه‌ای شد که برای نگاهداری آنها کتابخانه‌هایی به وجود آمد. قدمت بعضی کتابخانه‌های یونانی در جزیره کُرت به ۴۰۰۰ سال قبل می‌رسد که نشانگر وجود خط و کتابت در دوران قبل از هُمَر است.

پرگامون از بزرگ‌ترین کتابخانه‌های پیش از میلاد مسیح است. این مرکز بیش از ۲۰۰۰۰۰ طومار داشته و وقتی کتابخانه اسکندریه در سال ۴۷ قبل از میلاد در شورش مردم مصر بر ضد قیصر روم طعمه حریق شد انتونیوس رومی طومارهای کتابخانه پرگامون را به کلوپاترا ملکه مصر بخشید که کتابخانه اسکندریه را احیا کند.

روم - در دوران رومی‌ها کتابخانه اسکندریه شهرت خاصی یافت. این کتابخانه به همت و فرمان اسکندر کبیر و توسط بطلمیوس اول، نخستین پادشاه بطالمه، در سال ۲۹۰ قبل از میلاد تأسیس شد. پس از مرگ بطلمیوس، فرزند او فیلادلفوس آن کتابخانه را کامل کرد. این مرکز که به "آکادمی اسکندریه" معروف شد دارای موزه و مدرسه و مرکز پژوهش‌های علمی نیز بود و بزرگ‌ترین مجموعه کتاب‌های یونانی در آن گردآوری و تنظیم و فهرست‌بندی شده بود. شمار کتاب‌ها و طومارهای این مرکز را پانصد هزار گفته‌اند. کتابخانه اسکندریه نه تنها حافظ این کتب بود، بلکه وسائل و دانش لازم برای فهم این کتاب‌های علمی را در اختیار دانش‌پژوهان قرار می‌داد؛ به عبارت دیگر یک کتابخانه کامل پژوهشی بود. در سال ۴۷ پیش از میلاد در شورش مردم مصر بر ضد قیصر روم این کتابخانه خسارت فراوان دید ولی با اهدای طومارهای کتابخانه پرگامون نضجی تازه یافت و تا قرن سوم میلادی زیر نظر رومی‌ها به حیات خود ادامه داد. در قرن سوم به علت جنگ‌های داخلی به کلی از بین رفت و قسمتی از آن که تا آخر قرن چهارم باقی مانده بود از طرف مسیحیان متعصب به آتش کشیده شد.

ترجمه تورات به زبان یونانی آن جا صورت گرفته است. این کتابخانه به جمع کتاب بسنده نمی‌کرده، بلکه با کمک دانشمندان و پژوهندگان خود به تولید کتاب‌های پرارزش علمی می‌پرداخته است. نوشته‌های پراکنده هُمَر در این مرکز به صورت کتابی تدوین شد و مجموعه‌های بسیاری که متعلق به افراد بود در زمان حیات و یا بعد از مرگ آنان به این کتابخانه راه یافت و آن را غنی‌تر کرد. ایران - ابن ندیم در کتاب معروف خود الفهرست از خطوط ایرانی پیش از اسلام یاد کرده و به نقل از ابن مقفع فارسی نوشته است که ایرانیان دارای هفت نوع خط بودند و خود به چهار خط دیگر آرامی، پیرآموز، مانوی و پارتی اشاره کرده است.

ایرانیان این خطوط را بر سنگ‌ها نقر می‌کردند (می‌کندند) و یا روی لوحه گلی می‌نوشتند و گاهی لوحه گلی را مانند آجر می‌پختند که محکم شود. اعلامیه معروف کورش کبیر که در موزه بریتانیا نگاهداری می‌شود روی استوانه کوچک گلی نقر شده است. گاهی مطالب مهم را روی ورق زر یا سیم می‌کوبیدند. بعدها از توز (پوست درخت خدنگ) و از پوست دباغی شده حیوانات مانند گاو و بز استفاده کردند. این روش به پیش از پیدایش آئین زرتشت مربوط است چه آن طور که از روایات

زرتشتی برمی آید اوستا را بر روی ۱۲۰۰ تخته پوست گاو نوشته بودند. ابن ندیم به نقل از ابوسهل بن نوبخت ایرانی می نویسد:

«ضحاك در زمین های سواد شهری بنا کرد و آن را جایگاه علم و علماء قرار داد و ۱۲ کاخ به شماره برج های آسمانی در آن بنا نهاد و هر کاخی را به نام یکی از برج های آسمانی تسمیه کرد. آن گاه برای کتاب های علمی در آنها خزانه های ساخت و دانشمندان را در آن کاخ ها جای داد؛ کاخ هایی که بر سنگ ها و تخته های آن انواع علوم نقش و نقر شده بود. متأسفانه در حمله اسکندر این همه در آتش سوخت و از بین رفت.»

باز ابن ندیم از قول ابومعشر بلخی می نویسد:

«پادشاهان ایرانی برای نگهداشت دانش ها اهتمام بسیاری داشتند و برای حفظ کتاب ها از آسیب های زمانه و سیله ای از محکم ترین اسباب برمی گزیدند که تاب مقاومت در برابر هر گونه پیش آمدی را داشته باشد و عفونت و پوسیدگی در آن راه نیابد، و آن پوست درخت خدنگ بود که آن را "توز" می نامیدند... و برای نگاهداری این نوشته ها در صدد برآمدند تا بهترین مکان را جهت بنیاد کتابخانه انتخاب کنند که از زمین لرزه برکنار و گلش چسبندگی داشته باشد و برای ساختمان های محکم مناسب باشد. سرانجام پس از جستجوی بسیار شهر اصفهان را که دارای این خصوصیات بود برگزیدند... و عمارتی رفیع در آن جا بنیاد نهادند به نام "سارویه". این ساختمان که به صورت دالانی بود که با ساروج ساخته شده بود سالیان دراز در زیر خاک از نظرها پنهان بود تا بالاخره کشف شد<sup>۲</sup> و در آن کتاب های بسیاری از نوشته های پیشینیان نهاده بودند. این آثار بر پوست درخت خدنگ نوشته شده بود و دانش های گوناگونی را شامل می گردید. بنای این کتابخانه را به تهمورس، پادشاه پیشدادی، نسبت داده اند و این بنا شباهت زیادی به اهرام مصر داشته است.»

معلوم شده است که در دوره هخامنشیان کتابخانه های مهمی در ایران وجود داشته و نوشته اند که اسکندر کتاب های بسیاری را از ایران به اسکندریه برد و فرمان داد که آنها را ترجمه کنند. در دوران مادها و هخامنشیان مرکز اسناد دولتی (کتابخانه شاهی) وجود داشته که بر حسب مندرجات کتاب عزرا از کتب تورات بر وجود یکی از آنها در اکباتان (همدان) و نیز در شوش آگاهی داریم. اصطلاح "دژ نپشت" یا "قلعة الكتابات" یا کتابخانه اگرچه از عهد اشکانی متداول شده، بایستی مربوط به دوره های پیش از آن باشد. در نقاط مختلفی از ایران زمین دژنپشت های وجود داشته که گفته اند اوستا و کتب دینی و علمی و ادبی در آنها نهاده بوده و نگاهداری می شده است.

جندی شاپور - حرکت علمی و پژوهشی ایرانیان در زمان ساسانیان در آکادمی جندی شاپور (یا جندی شاپور) به اوج خود می رسد. جندی شاپور شهری بود که شاپور اول ساسانی در خوزستان ساخت (قرن سوم میلادی) و می گویند که نام آن در اصل "وه اندیو شاهپور" (Véh-Andiv i)

(Sháhpuhr - یعنی "به از انطاکیه شاپور" و یا "شهر شاپور بهتر از انطاکیه" - بوده است. این شهر در شمال غربی شوشتر کنونی واقع بود. شاپور اسیران رومی را در بنای آن به کار گماشت و آن شهر به فرمان وی از آغاز کانون دانش و دانشمندان گردید. در آکادمی<sup>۳</sup> جندی شاپور که از جمله دارای کتابخانه بزرگی بود پاره‌ای از کتاب‌های یونانی به پهلوی ترجمه شد. این آکادمی حدود ۵۰۰ سال تا قرن هشتم یا نهم میلادی (دوم یا سوم هجری) برپا بود و در آن جا از جمله پزشکان علاوه بر طب ایرانی از تجربه‌های ملت‌های دیگر یعنی از طب هندی، یونانی، اسکندرانی و سریانی سود می‌بردند. به ویژه در زمان پادشاهی انوشیروان دامنه تحقیق در آن شهر توسعه یافت. در سال ۵۲۹ م. که آکادمی آتن تعطیل شد عده‌ای از فلاسفه و دانشمندان یونانی به دربار ساسانی رفتند و مورد استقبال انوشیروان قرار گرفتند. شاید در زمان همین پادشاه بود که مدرسه معروف پزشکی جندی شاپور تأسیس گردید و طبیب مشهور ایرانی، برزویه، از طرف پادشاه به هند فرستاده شد که کتاب‌های علمی به زبان سانسکریت را جمع‌آوری کند و به ایران بیاورد تا به زبان رایج آن روز ترجمه شود. معروف است که بازی شطرنج را هم او از هند به ایران آورد.

در آن زمان در آکادمی جندی شاپور علم نجوم رونق خاصی داشت و زیج شهریار که پایه زیج‌های بعدی اسلامی است در آن دوره تدوین شد. کتاب کارنامه اردشیر محصول آن عهد است و تنظیم و فصل‌بندی کتاب اوستا و خط اوستائی را به آن عصر نسبت داده‌اند. اسطوره‌های کهن ایرانی نیز در همان اوان به نام خدای نامک تنظیم شد که بعداً مورد استفاده حکیم طوس در تدوین شاهنامه فردوسی قرار گرفت.

در آکادمی جندی شاپور که آن را جامع‌ترین مجمع فرهنگی ساسانیان دانسته‌اند فرهنگ زرتشتی با علوم یونانی و هندی در هم آمیخت و آن مرکز را تبدیل به بزرگ‌ترین مرکز علمی و تحقیقی دوره ساسانیان کرد. دانش‌پژوهان و دانشمندان از همه جای دنیای آن زمان برای کسب علم و معرفت و شکوفائی استعداد خود راهی جندی شاپور می‌شدند.

## دوره بعد از ظهور اسلام

کتاب و کتابخانه در اسلام مهم شمرده شده است. این اهمیت به دلیل آیات متعدد قرآن و روایات بسیار در مورد تعلیم و تربیت و کتابت است. از جمله سوره علق (خون بسته) است. سوره علق سوره ۹۶ قرآن است که از سوره‌های مکیه است و ۱۹ آیه دارد و بنا بر قول مشهور شامل اولین آیات نازل بر حضرت رسول و اولین سوره قرآن بر حسب زمان می‌باشد که با کلمه "اقرأ" شروع می‌شود، یعنی بخوان: «اقرأ باسم ربك الذي خلق، خلق الانسان من علق، اقرأ وربك الاكرم، الذي علم بالقلم، علم الانسان ما لم يعلم.» (سوره علق، آیه‌های ۱-۵)

یعنی ای پیامبر، قرائت کن به نام پروردگارت که آفریننده است؛ آن خدائی که آدمی را از خون بسته بیافرید. بخوان و خدای تو کریم‌ترین کریمان است؛ آن خدائی که بشر را نوشتن به قلم آموخت، و به انسان آنچه را نمی‌دانست تعلیم داد.

این تأکيدات سبب توجه مسلمانان به کتاب و به تبع آن به کتابخانه گردید. در همان سده‌های نخستین هزاران تن از عالمان و فقیهان و محدثان و دانشوران مسلمان به تدوین علوم اسلامی پرداختند و در رشته‌های گوناگون رساله‌ها و کتاب‌ها و مجموعه‌های ارزشمندی تألیف کردند و از این رهگذر کتابخانه‌های بسیاری تأسیس شد. باگذشت زمان تألیف کتاب و تأسیس کتابخانه از آن روکه کاری مفید و حتی مقدس شمرده می‌شد شتاب بیشتری گرفت و در اواخر قرن دوم و اوائل قرن سوم هجری، با ظهور نهضت ترجمه در بغداد، مرکز حکومت عباسیان، به اوج شکوفائی رسید. ابن ندیم در الفهرست گوشه‌هایی از این فعالیت‌های علمی و فرهنگی را گزارش داده است و اسامی بسیاری از مترجمان و نویسندگان و کتاب‌هایشان را ذکر نموده و نخستین کتاب‌شناسی اسلامی را تألیف کرده است.

پس از او نفوس دیگری نیز به فهرست کردن کتب و کتاب‌شناسی آثار و تألیفات دانشمندان مسلمان پرداختند که برای نمونه می‌توان به فهرست شیخ طوسی، فهرست نجاشی، فهرست شیخ منتجب‌الدین رازی، فهرست ابن خیر اندلسی، فهرست معالم العلماء ابن شهر آشوب، و در این اواخر به کشف الظنون حاجی خلیفه، ایضاح المکنون و هدیه العارفين بغدادی، کشف الحجب و الاستار سید اعجاز حسین، کشف الاستار سید احمد صفائی و الذریعة آقا بزرگ طهرانی اشاره کرد.

در این مقاله فقط به کتابخانه بیت الحکمة بغداد اشاره‌ای می‌کنیم و می‌گذریم. بیت الحکمة بغداد در سال ۷۴۹ م. (۱۳۲ ه. ق.) در شروع حکومت عباسیان تأسیس شده است. هدف اصلی از تأسیس این مرکز علمی که کتابخانه عظیمی در قلب آن قرار داشت ترجمه آثار علمی یونانی و ایرانی و هندی به عربی بود. در زمان خلافت هارون الرشید این مؤسسه ترقی بسیار کرد و در دوره خلافت مأمون (۸۱۳-۸۳۳ م.) - اوائل قرن سوم هجری) به اوج شکوفائی خود رسید و به صورت آکادمی علوم و تحقیقات علمی درآمد.

بسیاری از دانشمندان از دنیای اسلامی و حتی غیراسلامی برای اشتغال علمی و در عین حال دریافت حقوق و مزایائی که در دنیای آن زمان، به مانند امریکای این زمان، بی‌نظیر بود راهی بغداد شدند. وقتی مأمون لشکر امپراتور روم شرقی را در انقره (آنکارا) شکست داد از جمله شرائطی که به امپراتور مقهور تحمیل کرد این بود که تعداد زیادی از کتاب‌های اصیل یونانی را از قسطنطنیه به بغداد بفرستد. امپراتور ابتدا در اجرای این ماده قرارداد درنگ داشت ولی بر اثر اصرار و پی‌گیری مأمون تعداد زیادی کتاب بار یک‌صد شتر کرد و به بغداد فرستاد. بیت الحکمة از هر محلی که امکان داشت کتاب تهیه می‌کرد، از جمله تعداد زیادی از کتاب‌های آکادمی جندی شاپور را به بغداد بردند.

تعداد کتاب‌های این مرکز فرهنگی را که در آن زمان همه دستنویس بود بیش از چهارصد هزار دانسته‌اند. بسیاری از کتب علمی دنیای قدیم از یونانی و ایرانی و هندی در آن زمان به عربی ترجمه شد و دو رصدخانه نیز، یکی در بغداد و دیگری در دمشق، به این کتابخانه منضم گردید. کتاب معروف هیئت بطلمیوسی به نام المجسطی در این مرکز به عربی ترجمه شده است.

بیت الحکمة بغداد شباهت زیادی به کتابخانه‌های اسکندریه و جندی شاپور داشته و فرهنگستان

علوم بوده است. دانشمندان ایرانی در فعالیت‌های تحقیقی این مرکز فرهنگی نقش مهمی ایفا کرده‌اند. نفوسی چون سهل بن هارون فارسی، سعید بن هارون فارسی برادر سهل، سلم و یا به قولی سلمان، ابوسهل فضل بن نوبخت فارسی، یحیی بن ماسویه و بسیاری دیگر از این جمله بودند. حتی از مسیحیان و کلیمیان نفوسی آن جا مشغول به کار بودند مانند سند بن علی یهودی که رئیس رصدخانه بوده و جُبیش بن حسن اعسم مسیحی که از زبان سریانی به عربی ترجمه می‌کرده است. فتنه‌ها و آشوب‌های مختلفی که پس از مأمون در بغداد پدید آمد باعث ضعف این مرکز شد و مغولان بی‌دانش در سال ۱۲۴۵ م. این مرکز را به کلی ویران کردند. کتاب‌ها یا به غارت رفت و یا در آتش سوخت و یا به دجله فرو ریخته شد. می‌گویند تا آن حد کتاب به دجله ریخته بودند که سدی به وجود آمده بود و مغولان از روی آن عبور می‌کردند و آب دجله به سبب مرکب کتاب‌ها سیاه شده بود. هرچند این گزارش‌ها اغراق‌آمیز به نظر می‌رسد ولی دلیل بر خصومت و بی‌دانشی سربازان مغولی است. فقط بعد از فتح بغداد توسط هلاکو خان مغول، به کوشش خواجه نصیرالدین طوسی و یارانش تعدادی کتاب نجات یافت و به رصدخانه مراغه منتقل شد.

نتیجه‌ای که از مقایسه تاریخ کتابخانه‌ها با تاریخ عمومی ملل مسلمان عاید می‌شود این است که دوران شکوفائی تمدن اسلامی کمابیش با رونق کتابخانه‌های اسلامی همزمان است و با انهدام و یا محدود شدن این مراکز فرهنگی و توقف کارهای تحقیقی، سیر نزولی تمدن اسلامی نیز شروع می‌شود و اروپائیان که در قرون وسطی کتابخانه‌های معتبری نداشتند وارث فرهنگ اسلامی می‌گردند و کتابخانه‌های خود را، به ویژه بعد از تکمیل صنعت چاپ در اروپا توسط گوتنبرگ آلمانی، از اواسط قرن پانزدهم با شتاب فراوان توسعه می‌دهند و همزمان، رونق فرهنگی و اقتصادی و سیاسی آنان آغاز می‌گردد و در نتیجه از ملل مسلمان پیشی می‌گیرند و این حرکت هنوز هم ادامه دارد.

### کتابخانه‌های اروپائی

نام چند کتابخانه اروپائی فهرست‌وار آورده می‌شود. کتابخانه قسطنطین در قرن سوم میلادی در بیزانس تأسیس شد و در قرن پانزدهم به دست ترکان عثمانی افتاد. کتابخانه دیر سن کاترین نیز از کتابخانه‌های بسیار قدیمی اروپائی است. کتابخانه دانشگاه سوربن پاریس در ۱۲۹۰ م. با ۱۰۱۷ جلد کتاب تأسیس شد و همزمان با آن کتابخانه‌های آکسفورد (۱۲۸۹ م.) و کمبریج در انگلستان پا گرفت. قرن شانزدهم - میکال آئز بر حسب دستور ژولیو دو مدیسی در سال ۱۵۷۱ م. کتابخانه فلورانس را بنیاد کرد. در قرن شانزدهم کتابخانه‌های هامبورگ در آلمان و اسکوریا در اسپانیا و کتابخانه معروف واتیکان تأسیس شد. در این دوران مردم اروپا به حدی کتاب را گرامی می‌داشتند که حاضر بودند هر قیمتی را برای آن پردازند. به این ملاحظه سرعت کتاب رواج یافته بود. لذا کتابخانه‌های زنجیردار به وجود آمد که جلد کتاب را با زنجیری به طول یک تا دو متر به قفسه می‌بستند و کتاب را فقط روی میزهایی که به قفسه محکم شده بود می‌توانستند مطالعه کنند. از این نوع کتابخانه‌ها هنوز بعضی موجود است؛ از جمله کتابخانه زنجیردار کاتدرال هرورد انگلستان است که ۱۵۰۰ جلد کتاب

زنجیر شده دارد.

قرن هفده - در قرن هفدهم کتابخانه پاریس تأسیس شد که امروز عنوان کتابخانه ملی فرانسه را حائز است. در سال‌های اخیر تک‌ساختمان عظیمی برای این کتابخانه در تولبیاک (Tolbiac) نزدیک ایستگاه راه‌آهن اوسترلیتز (Austerlitz) پاریس بنا کرده‌اند که هم امسال افتتاح شده است. این بنا بزرگ‌ترین تک‌ساختمان کتابخانه پژوهشی در جهان است. طول آن حدود ۳۸۰ متر و عرض آن حدود ۲۰۰ متر است که در زمینی به مساحت ۷۵۰۰۰ متر مربع در ۶ تا ۱۰ طبقه ساخته شده و چهار برج در چهار گوشه آن به صورت کتاب نیم‌باز به ارتفاع ۸۰ متر سر به آسمان کشیده است. گرداگرد این بنای عظیم پله‌های سرتاسری قرار دارد که به سبک پله‌های اهرام مصر و نمود میدان‌های بزرگ ورزشی است. داخل بنا حدود ۴۰۰ کیلومتر قفسه کتاب و ۳۰۰۰ میز مطالعه نصب شده است. بنده به اتکای سابقه مهندسی مساحت کلی این ساختمان را ۸۰۰۰۰۰ متر مربع و هزینه آن را ۷۰۰۰ میلیون دلار امریکائی برآورد کردم که شاید با حقیقت تفاوت زیادی نداشته باشد.

فهرست کتاب‌ها کامپیوتری است و هر کسی می‌تواند خود کتاب مورد نظر را در فهرست پیدا کند و از شرایط استفاده و توضیحات اختصاصی در مورد هر کتاب مستحضر شود و همان‌جا سفارش خود را برای دریافت کتاب ابلاغ کند. بعضی از کتاب‌های خطی قدیمی روی صفحه کامپیوتری (CD-ROM) نقل و ذخیره شده است. این قبیل کتاب‌ها را می‌توان روی صفحه کامپیوتر آورد و ورق زد و صفحات آن را بزرگ و کوچک کرد.

دسترسی به فهرست کتابخانه از طریق شبکه اینترنت (Internet) از فاصله دور نیز امکان دارد. برای مثال شخصی در استرالیا از طریق کامپیوتر خود و شبکه اینترنت به فهرست کتابخانه ارتباط می‌یابد؛ کتابی را برمی‌گزیند و اگر آن کتاب در صفحه کامپیوتری ذخیره شده باشد آن را روی پرده کامپیوتر خود می‌آورد و ورق می‌زند و می‌خواند و صفحه‌های مورد نظر را با چاپگری که دارد نسخه‌برداری می‌کند. اگر به پاریس رفتید نصف روزی به تماشای این کتابخانه بروید و ببینید که ملت فرانسه جامعه‌ای است فرهنگی و نه فقط فرنگی.

قرن هجده - کتابخانه معروف بریتانیا در قرن هجدهم تأسیس شد. قسمت اصلی این کتابخانه به زودی از موزه بریتانیا به ساختمان جدید خود که بنائی جالب توجه و بزرگ ولی به مراتب کوچک‌تر از ساختمان کتابخانه ملی فرانسه است منتقل خواهد شد. در این کتابخانه بیش از سی میلیون اثر نگاهداری می‌شود.

قرن نوزده - در اوائل قرن نوزدهم کتابخانه‌ای در شهر واشنگتن امریکا به نام کتابخانه کنگره تأسیس شد که در حال حاضر بزرگ‌ترین کتابخانه جهان است و در سه ساختمان عظیم جنب ساختمان کنگره امریکا مستقر شده است. این کتابخانه نزدیک یک صد میلیون اثر را در خود جای داده و به تمام وسائل لازم برای استفاده آسان پژوهندگان از گنجینه‌های خود مجهز است.

منظور این است که کتابخانه همواره ابزاری مهم و لازم برای پیشرفت فرهنگ بوده است چه فرهنگ اجتماعی، چه فرهنگ علمی و چه فرهنگ دینی.

پانیزی (Sir Anthony Panizzi) مشهورترین رئیس کتابخانه بریتانیا که در قرن نوزدهم می‌زیسته می‌گوید که در یک جامعه دموکراتیک باید وسائل لازم برای پژوهش و حقیقت‌جوئی - به اصطلاح بهائی تحرّی حقیقت - در اختیار عموم مردم قرار گیرد و این تنها از راه گشودن کتابخانه‌های پژوهشی به روی عموم میسر است چه کم‌تر کسی به انبوه کتاب‌های کمیاب و گران‌قیمت راه دارد.

## امر بهائی

در هیچ آئینی به اندازه امر بهائی تحصیل علوم و تحقیق و مطالعه تشویق نشده است. اصول تحرّی حقیقت، توافق علم و دین، تعلیم و تربیت عمومی شاهد این مدعا است. در هیچ دین دیگری به اندازه امر بهائی کتاب و آثار قلمی از هیاکل قدسی آن دین باقی نمانده است.

کتاب به معنای اعمّ ابزار اصلی برای فهم و درک امر بهائی و تبلیغ و انتقال آن به سایرین است. دانشمندان بهائی نیز در یک‌صد و پنجاه و چند سال گذشته بی‌کار ننشسته‌اند. آنان در هر موردی از تاریخ و استدلال و تعلیم و احکام صدها و بلکه هزاران کتاب و مقاله تألیف کرده‌اند. آثار بهائی به بیش از ۸۰۰ زبان و لهجه ترجمه شده است. آنچه نداریم کتابخانه‌های فعال پژوهشی است که یک یا چند نسخه از هر یک از آثار بهائی را در خود جای داده باشد تا مؤسسات امری و پژوهندگان و علاقه‌مندان به آسانی به آنها دسترسی داشته باشند و بتوانند با استفاده از این کتابخانه‌ها به ضرورت زمانی و مکانی به تدوین جزوه‌ها و اعلامیه‌ها و مقالات و رسالات لازم بپردازند و آن‌جا که برایشان میسر است دنباله تحقیقات پیشین را بگیرند و از دوباره کاری و اشتباه بر حذر بمانند؛ کاری که امروز به دشواری میسر است.

طبق آمار بهائی که در آخر سالنامه‌های «عالم بهائی» (*The Bahá'í World*) آمده است جامعه بهائی همه چیز دارد جز کتابخانه که نام و نشانی از آن در این آمارها نیامده است. آقای ویلیام کالینز (William P. Collins) امریکائی، فارغ‌التحصیل رشته کتابداری که از سال ۱۹۷۷ تا ۱۹۹۰ م. (۱۳ سال) در ارض اقدس مسؤول کتاب‌های مرکز بین‌المللی بهائی بوده و به زبان‌های فرانسه و روسی نیز آشنا است اولین کتابشناسی بهائی را تألیف کرده که عنوان آن «فهرست آثار چاپی امر بایی و بهائی به انگلیسی از ۱۸۴۴ تا ۱۹۸۵» است.<sup>۴</sup> این فهرست که در ۵۲۱ صفحه بزرگ تنظیم شده آثار بهائی انگلیسی در ارض اقدس را به سیزده بخش تقسیم می‌کند:

- ۱- آثار حضرت بهاء‌الله جلد ۱۴۳
- ۲- آثار حضرت باب جلد ۹
- ۳- آثار حضرت عبدالبهاء جلد ۲۱۳
- ۴- مخلوطی از آثار بالا جلد ۳۱۱
- ۵- توقیعات حضرت شوقی افندی جلد ۱۵۷
- ۶- دستخط‌های بیت العدل اعظم جلد ۵۷
- ۷- کتاب راجع به امر بهائی و بایی جلد ۲۸۱۹

۸- کتاب به خط کوران

۱۴۲ جلد

۹- مجلّات ادواری

۵۱۹ سری (هر سری شامل تمام شماره‌های

یک نشریه ادواری است.)

۱۰- کتب حاوی بخشی مربوط به امر بابی یا بهائی ۱۶۴۵ جلد

۱۱- مقالات در مجلّات غیربهائی ۱۱۲۸ فقره

۱۲- کتاب‌هایی که بر ضدّ امر بهائی نگاشته شده ۱۵۵ جلد

۱۳- رساله‌ها و نطق‌ها و تره‌های دانشگاهی ۷۳ جلد

جمع ۷۳۷۱ جلد

از سال ۱۹۸۵ تاکنون یعنی ظرف ۱۲ سال گذشته که تألیفات امری به انگلیسی رونق بیشتری داشته به طور متوسط باید سالی ۳۰۰ فقره به رقم بالا افزود که در این صورت جمع کل آثار امری به انگلیسی - با این فرض که از هر اثر نسخه‌ای در ارض اقدس موجود است - در حدود ۱۱۰۰۰ است. بنده آمار آثار امری به فارسی و عربی از چاپی و خطی را ندارم. کتابشناسی این آثار منتشر نشده است؛ ولی با اتکاء به آماری که از کتابخانه فتح اعظم در حافظه دارم و بر اساس اطلاعات عمومی، رقمی حدود ۶۰۰۰ اثر را خیلی محتاطانه می‌دانم. به عبارت دیگر با توجه به تقسیم‌بندی آقای کالینز آثار امری به زبان فارسی و عربی در حال حاضر دست کم ۶۰۰۰ فقره است.

آیا محقق بهائی به این همه آثار یعنی دست کم ۱۷۰۰۰ جلد فقط به زبان‌های فارسی و عربی و انگلیسی که دائم در حال رشد است و سالی حدود ۴۰۰ شماره بالا می‌رود دسترسی دارد؟ آیا جمع‌آوری این مقدار اثر در کتابخانه شخصی و یا حتی کتابخانه‌های محلی و ملی امکان‌پذیر است؟ برای اطلاع شما عرض می‌کنم که در کتابخانه بریتانیا تعداد آثار امری کم‌تر از پانصد است که تعداد قابل ملاحظه‌ای از آن ردّیه است.

در ارض اقدس احتمالاً نسخه‌ای از اهمّ این آثار موجود است ولی مخصوص استفاده داخلی همان مرکز بین‌المللی بهائی است.

آیا باید تصوّر ما این باشد که ما آن‌گونه جامعه‌ای هستیم که اجرای هرکاری در آن جامعه بر عهده تشکیلات رسمی است. افراد و به اصطلاح بخش خصوصی جانی و نقشی ندارند. برعکس، مقام فرد در جامعه بهائی عزیز و رفیع است. نماز در امر بهائی فردی است؛ اکثر عبادات فردی است؛ تبلیغ در درجه اول وظیفه‌ای است فردی. باید از افراد حرکتی باشد و از تشکیلات برکتی و هدایتی و نظارتی.

نفوس زیادی از اجبای ایرانی و گاه غربی موجودند که کتابخانه‌های کوچک امری برای استفاده شخصی فراهم کرده‌اند. تعداد کتاب‌های ایشان گاه از ۱۰۰۰ تجاوز می‌کند و احیاناً شامل بعضی کتاب‌های خطی و اسناد تاریخی و عکس‌های ارزنده است. بسیاری از این نفوس به دلایل شخصی مایلند که مجموعه‌های ارزشمند خویش را در زمان حیات و یا بعد از درگذشت خود به مؤسسه مطمئن هدیه کنند که به نامشان باقی بماند و مورد استفاده آیندگان باشد. جز کتابخانه‌های بزرگ

پژوهشی بهائی، چه مؤسسه‌ای می‌تواند و یا داوطلب است چنین مجموعه‌هایی را بپذیرد؟ کتابخانه‌های عمومی در مغرب‌زمین به آثار فارسی و عربی و به طور کلی به آثار مذهبی شرقی، جز در موارد استثنائی، علاقه‌ای نشان نمی‌دهند و عطشی برای دریافت کتب بهائی ندارند. اگر دست کم و به عنوان نمونه یک کتابخانه پژوهشی بهائی مثلاً در اروپا داشته باشیم این مجموعه‌ها که گذشت زمان قدرشان را والاتر خواهد کرد جایی برای خود خواهند یافت، وگرنه به تدریج پریشان می‌شوند و از بین می‌روند. مجموعه جناب بالیوزی با چند هزار جلد کتاب اگر به چنین کتابخانه‌ی فعالی منتقل نشود نه تنها بر خلاف نظر صاحب جلیل‌القدر خود مورد استفاده قرار نخواهد گرفت، بلکه در معرض خطر پوسیدگی و نابودی است.

\* \* \*

وقتی چنین کتابخانه‌ای تأسیس شود به مانند موجودی زنده رشد می‌کند و به تدریج تبدیل به مرکز فعالیت‌های فرهنگی بهائی می‌شود و در تبلیغ و گسترش امر و ازدیاد معارف و تحکیم ایمانی افراد جامعه و بالمآل در اجرای نقشه‌ها و برنامه‌های امری از محلی و ملی و بین‌المللی نقشی سازنده به عهده می‌گیرد و چون ابزاری مؤثر و لازم عمل می‌کند.

از نظر تبلیغی دست کم در بیشتر ممالک غرب نقش کتابخانه‌ی عمومی که به روی متحرکان حقیقت باز باشد حتی مؤثرتر از نقش معبد است. شاید به همین دلیل است که کتابخانه‌های مذهبی بزرگی در سال‌های اخیر از جمله در لندن برپا شده است که کتابخانه‌ی اسماعیلی‌ها و کتابخانه‌ی الفرقان از آن جمله است.

به امید روزی که در آمار بهائی تعداد کتابخانه‌های بزرگ پژوهشی و دیگر کتابخانه‌های فعال بهائی همراه تعداد معابد و حضائر قدس و مدارس تابستانه و دیگر مؤسسات بهائی ذکر شود این بحث را به پایان می‌برم.<sup>۵</sup>

### یادداشت‌ها

- ۱- پاپیروس (Papyrus) که واژه paper از آن است ساقه گیاهی آبی است که هنوز هم در دلتاهای رودخانه نیل می‌روید و در فارسی بردی نامیده شده است.
- ۲- منظور این است که در زمان ابن ندیم، حدود یک هزار سال قبل، کشف شد.
- ۳- آکادمی نام باغ زیتونی بوده است در یونان به نام *Academos* قهرمان یونانی که در آن افلاطون به شاگردان خود فلسفه تعلیم می‌داد و بعداً نامی شد عمومی برای مراکز مهم علمی و تحقیقاتی.
- 4- William P. Collins, *Bibliography of English-Language Works on the Bábí and Bahá'í Faiths 1844-1985* (Oxford: George Ronald, 1990).
- ۵- علاوه بر مأخذی که در یادداشت بالا از آن یاد شد مراجع مهم مطالعه به قرار زیر می‌باشند:  
پیام بهائی، شماره ۲۰۹، آوریل ۱۹۹۷ م.  
محمد بن اسحق ابن‌الندیم، الفهرست، نشر گوستاو فلوگل (Layizyng: ۱۸۷۱-۱۸۷۲ م.).  
محمود مرعشی، درآمدی بر دائرة المعارف کتابخانه‌های جهان (چاپ حافظ، ۱۳۷۴ ه. ش.).  
مسعودی، التنبیه و الاشراف، نشر دو خویه Michael Jan de Goeje (لایدن: بریل، ۱۸۹۴ م.).

محمد معین، فرهنگ فارسی، نشر هفتم (طهران: سپهر، ۱۳۶۴ ه. ش.)، ج ۶.

*Encyclopaedia Britannica*, 15th ed. (1981), vols. 6, 10, 11.

*The Bahá'í World* (1925-1995), vols. 1-23.

Colin Steele, *Major Libraries of the World* (London: Bowker, 1976).

Bettina Bartz, Helmut Opitz, Elisabeth Richter (eds), *Internationales Bibliothek Handbuch (World Guide to Libraries)*, 12th ed. (München: Sauer, 1995), 2 vols.

Allen Kent, Harold Lancour (eds.), *Encyclopaedia of Library and Information Science* (New York: Marcel Dekker Publishers, 1968), 35 vols..